

در محضر بزرگان آموزش:

جان دیویی

همان‌طور که برای گذر از «انسان بودن» به «انسان شدن» باید تلاش کرد و آموخت و اندوخت، برای معلم شدن هم باید با عشق تلاش کرد، بسیار آموخت و بسیار اندوخت. اما این مهم، بدون شناخت اندیشه‌های اندیشمندان این حوزه، کاری ناقص خواهد بود. در شماره پیش در این بخش، معرفی مختصری از نام «توران میرهادی» و اندیشه‌هایش داشتیم، در این شماره نیز با گذری کوتاه بر اندیشه «جان دیویی» سعی داریم در مسیر معلم شدن قرار گیریم. بی‌شک این نوشتار نیازمند شرحی است که خواننده مطلب باید بر آن بیافزاید تا به جان کلام دست یابد.

هر اندیشمندی کلیدواژه‌هایی برای شناخته‌شدن دارد؛ در حیطه آموزش، واژه‌های تجربه، عمل و کارکردگرایی با نام «جان دیویی» پیوند می‌خورد. نقطه کانونی اندیشه دیویی که از پیشروان مکتب کارکردگرایی در زمینه آموزش به حساب می‌آید، «دانش مبتنی بر تجربه» است. به این معنا که انسان را موجودی اجتماعی شده دانسته و با حمایت از رویکرد طبیعی، دانش را برخاسته از تطبیق فعالانه ارگانیسم‌های انسانی با محیط خود می‌داند. اما نظریات آموزشی دیویی با احداث یک مدرسه-آزمایشگاه در دانشگاه شیکاگو، که بعدها با عنوان «مدرسه دیویی» شناخته شد، شکلی جدی به خود گرفت. حاصل تجربه دیویی در این مدرسه، کتاب‌های «مدرسه و جامعه»، «دموکراسی و تعلیم و تربیت» (۱۹۱۶)، و «تجربه و تعلیم و تربیت» (۱۹۳۸) بود.

وی در کتاب دموکراسی و تعلیم و تربیت، چهار ویژگی برای آموزش و پرورش برمی‌شمرد:

- آموزش و پرورش عین زندگی است، نه آماده شدن برای زندگی.
- آموزش و پرورش همان راهنمای دانش‌آموز است و حمایت از رشد طبیعی او.
- آموزش و پرورش کارکردی اجتماعی دارد که در اجتماع و برای اجتماع شکل می‌گیرد.
- آموزش و پرورش عمل است؛ عملی استوار بر انگیزه و نیاز دانش‌آموز که توسط خود او و با یاری و راهنمایی مربی صورت می‌گیرد.

به جای کلی‌گویی و بیان مطالب به صورت ذهنی باید مطالب کاربردی تر باشد تا قابلیت درک شاگردان افزایش یابد. بایستی کودک در اوضاع و احوالی قرار گیرد که خود، در نتیجه کوشش، به حقیقت برسد.

دیویی معلم را یادگیرنده‌ای مداوم می‌داند که دیگران را در فرآیند یادگیری کمک و هدایت می‌کند بدون این که خود را تنها منبع معلومات تصور کند. هم‌چنین وی در تبیین نقش معلم و دانش‌آموز، سخنرانی‌های طولانی و یک‌سویه‌ای را که از معلم، متکلم‌وحده و از دانش‌آموز، شنونده صرف می‌سازد، محکوم می‌کند. او معتقد است دانش‌آموز باید به‌جای همواره شنیدن در حال فعالیت باشد و کلاسی برایش فراهم آید که مشابه فضای دنیای واقعی و بیرونی باشد. با این شیوه، دیگر خبری از خستگی بیش از حد معلم و دانش‌آموز هم نیست. بنابراین آموزش، حالت پویا و کاربردی به خود می‌گیرد و جذابیت فرآیند یادگیری و تقسیم مسئولیت بین معلم و دانش‌آموز از فرسودگی هر دو می‌کاهد. به‌نظر دیویی وظیفه معلم در مدرسه این است که همه فعالیت‌ها را پرمعنا سازد و به دانش‌آموزان امکان اشتباه کردن بدهد، زیرا یادگیری نمی‌تواند بدون اشتباه انجام گیرد و مربی باید به‌طور غیرمستقیم آن‌ها را متوجه اشتباهشان کند.

درمجموع باید گفت مجوز دیویی برای نظام آموزشی، یکی پرداختن به تفاوت‌های فردی و دیگری توجه به بستری است که آموزش در آن رخ می‌دهد. دیویی معتقد است که در آموزش دوره‌های مختلف تحصیلی، باید بر امور حسی و عینی تأکید شود و فعالیت و تجربه فرد، محور برنامه‌ها باشد. به جای کلی‌گویی و بیان مطالب به صورت ذهنی باید مطالب کاربردی‌تر باشد تا قابلیت درک شاگردان افزایش یابد. بایستی کودک در اوضاع و احوالی قرار گیرد که خود، در نتیجه کوشش، به حقیقت برسد. این همه موجب دور شدن از انتزاع در آموزش و عجین شدن آموزش با زندگی کودک می‌شود تا در نهایت او را برای زیستن در جامعه‌ای که با آن بیگانه نیست، پرورش دهد. طبق گفته دیویی مدرسه نمونه کوچکی از یک جامعه بزرگ‌تر است. جامعه‌ای که کودک باید بیاموزد چگونه در آن زندگی کند. به امید روزی که یادگیری زندگی یکی از حلقه‌های مفقودشده نظام آموزشی در کشور ما نباشد.

پاورقی:

۱- «Johen Dewey» فیلسوفی که نظریاتش در حیطه هنر، سیاست و آموزش، جای تامل بسیار دارد.

منابع:

- ۱- وف. کانل، ۱۹۸۰، تاریخ آموزش و پرورش در قرن بیستم، ترجمه حسن افشار، انتشارات مرکز، ۱۳۶۸.
- ۲- کاردان، علی محمد، ۱۳۸۱، آرای تربیتی سیر غرب، انتشارات سمت.
- ۳- آرمند، محمد، «ژان ژاک روسو، جان دیویی»، رشد معلم، آذر ۱۳۷۲ - شماره ۹۶.
- ۴- آرمند، محمد؛ «جان دیویی»، دانشنامه ایرانی برنامه درسی، ۱۳۹۳.

در تمام مشخصه‌هایی که دیویی برای آموزش و پرورش می‌آورد، بر ضرورت پیوند میان زندگی و اجتماع با نیازهای فرد در آموزش تأکید می‌کند؛ درواقع دیویی در مرکز هر میدانی چه فلسفه، چه سیاست، چه آموزش یا هنر، به‌دنبال پیوند آن با زندگی است.

دیویی آموزشی که در آن برنامه‌های درسی به صورت عملی عرضه شود را به‌عنوان آموزش مفید تلقی می‌کند. یادگیری براساس عمل، مسیر یادگیری فعال را برای دانش‌آموز هموار می‌کند و باعث درک بهتر مفاهیم می‌شود؛ مفاهیمی که لزوماً آکادمیک نیستند. برنامه درسی از نظر دیویی محدود به فضای درون مدرسه و فعالیت‌های از پیش تعیین‌شده نیست بلکه هر جا دانش‌آموزان باشند، یادگیری اتفاق می‌افتد. برای یادگیری درست باید به‌گونه‌ای برنامه را پیش برد تا دانش‌آموز بتواند بین آن چه تجربه کرده است و آن چه می‌آموزد، ارتباط برقرار کند. به‌طور مثال، آموزش حجم‌های هندسی باید در طبیعت و به صورت عینی توسط دانش‌آموز مشاهده، لمس و درنهایت درک شود. در یک توضیح عملی و ساده اگر بخواهیم مدرسه‌ای مطابق با نظریات دیویی داشته باشیم باید جای بسیاری از آموزه‌های تئوری را به کارهای عملی بدهیم. نجاری، خیاطی، ورزش، موسیقی، نقاشی و بهداشت از مواردی است که در چنین مدرسه‌ای مهم‌ترین بخش آموزش‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. آموزش‌های زبان، ریاضیات و علوم نیز باید در محیط‌هایی متناسب با طبیعت و اجتماع انجام پذیرد.

مخالفت دیویی با آموزش‌های صرف نظری از آن جا ناشی می‌شود که وی مشکل اصلی آموزش را، انفعال دانش‌آموز می‌داند. مشکلی که در نظام آموزشی مرسوم، با پرداختن بیش از اندازه به معلم و برنامه درسی و بی‌توجهی به خواست و میل دانش‌آموز، بزرگ‌تر می‌شود.

وی در تبیین نقش معلم و دانش‌آموز، سخنرانی‌های طولانی و یک‌سویه‌ای را که از معلم، متکلم‌وحده و از دانش‌آموز، شنونده صرف می‌سازد، محکوم می‌کند. او معتقد است دانش‌آموز باید به‌جای همواره شنیدن در حال فعالیت باشد و کلاسی برایش فراهم آید که مشابه فضای دنیای واقعی و بیرونی باشد.

از نظر دیویی مدارس باید فعالیت‌های خود را بر محور امیال و خواسته‌های دانش‌آموزان طراحی کنند، این امیال به ۴ نوع تقسیم می‌شود: ۱- میل به ارتباط و گفت‌وگو ۲- میل به جست‌وجو و بررسی اشیا ۳- میل به فعالیت و ساختن ۴- میل به تعبیر هنری. تنظیم فعالیت‌ها براساس امیال، به رشد و تکامل طبیعی کودک کمک خواهد کرد و با افزایش رغبت یادگیری، آموختن را برای او نشاط‌انگیز می‌سازد. در این روند کودک به تفکر واداشته شده و برای حل مساله علاقه‌مند می‌شود.

در یک توضیح عملی و ساده اگر بخواهیم مدرسه‌ای مطابق با نظریات دیویی داشته باشیم باید جای بسیاری از آموزه‌های تئوری را به کارهای عملی بدهیم. نجاری، خیاطی، ورزش، موسیقی، نقاشی و بهداشت از مواردی است که در چنین مدرسه‌ای مهم‌ترین بخش آموزش‌ها را به خود اختصاص می‌دهد.